

آینة

اقتصاد

اگر جای روحانی بودم

● **حسین موسویان:** ... در شرایط فعلی واشنگتن، نظامی‌ها و ترامپ خواستار جنگ با ایران نبوده و گشت‌وگویی بدون پیش‌شرط را ترجیح می‌دهند. اما سیاست‌مداران مهمی مثل جان بولتون، مشاور امنیت ملی و پمپئو، وزیر خارجه، ته ذهنشان تغییر رژیم، حمله نظامی و عدم گفت‌وگو با ایران است؛ لذا نباید تردید کرد که اعلام آقای ترامپ در مورد گفت‌وگوی بدون پیش‌شرط با همتای ایرانی خود یک تحول قابل‌توجه به نفع ایران است، اما نەتہا با چالش‌های جدی در واشنگتن مواجه بوده بلکه محور تل‌آویو-ریاض- ابوظہبی را دیوانه می‌کند. در چنین شرایطی اگر من جای آقای روحانی بودم، با تصمیم‌شورای عالی امنیت ملی و موافقت مقام معظم رهبری در پاسخ به پیشنهاد آقای ترامپ، به ایشان پیشنهاد می‌کردم به تهران سفر کند و قبل از گفت‌وگوهای کاری چند برنامه ایران‌شناسی برای او می‌گذاشتم.

جمهوری اسلامی

مابیش شرط داریم

● آمریکا در جریان برجام در قالب گروه ا+۵ با ایران مذاکره کرد که حاصل آن پیمان بین‌المللی برجام بود. ترامپ آمریکا را برخلاف موازین بین‌المللی از برجام خارج کرد و با این اقدام نشان داد که حتی به امضا و تعهد رئیس‌جمهور قبل از خود نیز پایبند نیست. اگر ترامپ مایل است با ایران مذاکره کند قبل از هر چیز باید تخلف خود از قانون بین‌المللی را جبران کند و آمریکا را به برجام برگرداند. این، پیش‌شرط ما برای پذیرفتن پیشنهاد ترامپ است. اگر آمریکا به برجام برگردد، به‌طور طبیعی به همان مذاکرة‌ای که در قالب گروه ا+۵ با ایران داشت، برخوردار گشت و اتفاق جدیدی رخ نخواهد داد غیر از اینکه اعتبار ازدست‌رفته آمریکا برخواهد گشت و ترامپ هم نشان خواهد داد که بیماری هرج‌ومرج‌طلبی بین‌المللی او موقتی بوده است!



لحاف چهل تکه گزارش مجلس درباره حجاب

● انتشار گزارش ۴۴ صفحه‌ای مرکز پژوهش‌های مجلس از حجاب، که از بدیهیات گزارشی علمی و آماری نیز به دور بود، بسیاری از دغدغه‌مندان فضای فرهنگی کشور را شوکه کرد... بحث حجاب از منظر تهیه‌کنندگان این پژوهش و اسلاف آنها که نیت سوهان در گوشه‌گوشهٔ پژوهش مذکور مشخص است، در ابتدا امری معرفتی و عقیدتی به شمار می‌رفت که با گذشت زمان به امری اجتماعی تبدیل شد و سپس آن را سیاسی قلمداد کرده و با یک سری از سیظنت‌های رسانه‌ای و اتفاقات مشکوک امنیتی کردند... انتشار هرگونه آمار و ارقامی از این مسئله تنها در جوامع علمی به بحث گذاشته نمی‌شود، بلکه جریان‌ات سیاسی و امنیتی نیز از آن به‌نجوی که خود می‌پسندند، استفاده می‌کنند. متأسفانه این گزارش که در روزهای اوج تلاطمات ارزی و فشارهای معیشتی منتشر شد حکایت از آن دارد که مرکز پژوهش‌های مجلس آنچنان هم علمی-پژوهشی رفتار نمی‌کند و با حالت خوش‌بینانه برآوردی از وضعیت کنونی کشور نداشته و در پی اهداف خود-جزیره‌ای عمل می‌کند؛ باید افسوس خورد که چطور مجلس شورای اسلامی در روزهایی که چپ و راست شمشرزان به جنگ فرهنگی و اقتصادی با نظام اسلامی آمده‌اند و دقیقاً در روزهایی که دلقک صهیونیستی با انتشار کلیپی از وضعیت اسفناک فاطمه‌ها در ایران می‌گوید فیش یاد شفافیت کرده و نتایج پژوهشی را که دقیقاً جای دشمنان قسم‌خورده نظام گذاشته، علنی و گسترده منتشر می‌کند و در واقع آمار و ارقام اثبات‌چرندیات تانیا‌هو را ارائه می‌کند!

کیمیان

معیشت مردم را به کروگان گرفته‌اند!

● **جعفر بلسوری:** حدود پنج سال پیش مشکلات اقتصادی بنا به دلایلی مثل «سوءمدیریت‌ها» و «تحریم‌ها» افزایش یافت. قیمت خودرو، سکه و مسکن رشد پیدا کرده و از دل فشارهای اقتصادی که روی دوش مردم سنگینی می‌کرد، دولتی‌ها با شعار «اعتدال» و «مذاکره» بیرون آمد. هدف اعلامی این دولت «بهبود شرایط اقتصادی» و دلیل مشکلات اقتصادی هم «نزاع» نبودن دولت قبل اعلام می‌شد. دولت یازدهم اصولاً، زائیده شرایط اقتصادی آن چند ماه آخر دولت دهم بود... لیبرال‌ها و مدعیان اصلاحات با روی کارآمدن دولت «اعتدال» جان تازه‌ای گرفتند. شعارها کمی تغییر کرد. مرگ بر اسرائیل و مرگ بر آمریکا گفتن، در کلام و عمل تقیح شد چون، این شعارها خلاف دولت «نرمالیزه‌شده» بود و «معیشت» مردم را به‌اصطلاح دچار سختی می‌کرد! ... تصور بر این بود که با عقب‌نشینی از اصول می‌توان از دشمنی‌ها کم کرد و به پیشرفت رسید، غافل از اینکه کشورها با تأکید بر اصولشان به پیشرفت ناثل می‌شوند. حملات به «گرنیش» برای استخدام در مراکز حساس و غیرحساس آغاز شد. با متلا‌های غیرواقعی مثل «از مراجعه‌کننده نباید درباره کفن و غسل و قبر و... سؤال پرسید» تلاش شد اصل «گرنیش» لوث شده و زیر سؤال برود. روزنه‌ها باز شد. شعارها درباره امکان نفوذ دشمن به مراکز تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز «توهم توطئه» و دستگیری نفوذی‌ها به مراکزی چون محیط زیست «امنیتی‌شدن مراکز علمی» تفسیر شد.

politics@sharghdaily.ir

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشد، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس

پژواک

politics@sharghdaily.ir ارسال شود.
بدیهی است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده‌ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد. روزنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.

بازگشت آمریکا به برجام

سعید امیر

توافق‌های آمریکا باید به‌نام ترامپ ثبت نشود تا ایشان پرستیز داخلی خویش را ارتقا داده و توافق‌های بین‌المللی را محصول نقش‌آفرینی شخصیت خویش قلمداد کند.

روی کارآمدن ترامپ برای برجام یک بدشانسی محض بود. با گفت‌وگو و مذاکره می‌توانیم با وجهی دیگر ایشان و آمریکا را غیرمستقیم متعهد به اصول برجام کرده و مختصات خروج آمریکا از برجام را بی‌اثر کنیم. همه ملاحظات را که ایران درباره آمریکا در برجام تعبیه کرده بود اکنون می‌توان با مذاکره مستقیم در فرایندی هوشمندانه برگرداند. در صورت مذاکره با آمریکا بخش اعظمی از امتیازاتی که باید بدھیم با نظارت‌ها و شفافیت‌های هسته‌ای که هم‌اکنون در چارچوب برجام در قبال اروپا ملزم به رعایت آن هستیم، هم‌پوشانی خواهد داشت. بنابراین در حوزه هسته‌ای آمریکا قادر به کسب امتیاز جدیدی نخواهد بود که این امر وزن برد ایران در توافق برد-برد را سنگین‌تر خواهد کرد. نکته مهم این است که فرصت به‌وجودآمده در راستای ارائه‌ندادن پیش‌شرط از سوی ترامپ را نباید

گریزی فلسفی به مقوله امید و امکان آن در شرایط فعلی ما ایرانیان

در دفاع از امید

نوبد مؤذن

را در اندیشه‌های اگزیستانسیالیستی کیرکگارد نیز می‌توان دید. یک تصور و رویکرد غلط که سبب می‌شود بسیاری از افراد ناامید باشند، مغالطه در اقنوم «احتمال» به‌عنوان رکنی اساسی در تعریف امید است. به‌طوری‌که با تکیه بر نامطلوب‌بودن اوضاع عینی و اقامه ادله‌ای مبنی بر ادامه وضع نامطلوب، امید را با خیال یا دروغ مترادف می‌گیرند. غافل از آنکه محل مناقشه امید اساسا فضای قطعی و عینی نیست. لازمه امید ترکیبی از ناآگاهی نسبی به آینده - که احتمال را توضیح می‌دهد- و دانش نسبی - که احتمال غیرصفر را حوجه می‌کند- است. خاستگاه امید، احتمالی است که هرگز قابل نفی نبوده و به صفر نمی‌رسد؛ چراکه دانش ما درباره حالت مطلوب و چگونگی رسیدن به آن، هرگز هیچ نیست. به‌ویژه درباره امر اجتماعی که مؤلفه‌های متعدد و ناواضحی در آن دخیل‌اند، خواه ناخواه تلفیقی‌توأمان از ناآگاهی و دانش درباره آینده وجود دارد.

امیدواری نفی واقعیت نیست، احتمال دادن رخداد، اتفاقات خوب و تلاش برای رسیدن به آن است. بنابراین، نگاه مثبت درونی و حالت وجودی ماست که تعیین می‌کند ما امیدوار باشیم یا نه! و چنانچه به این باور برسیم که امید حالتی سازنده است، می‌توانیم آن را در هر شرایطی برای خود و اطرافیان پدید آوریم. این‌گونه که همیشه محتمل بدانیم امکان بهبود اوضاع وجود دارد و احتمال دارد شرایط به شکل مطلوبی تغییر کند.

۲-دلیل امیدواری

پس از بحث در امکان امید و امیدواری، نوبت به آن است که پیش‌تر روم و بگویم امید، نەتہا ممکن است، بلکه در شرایط کنونی کشور ما خالی از سده و ادله بیرونی نیز نیست. تاریخ ایران به‌ویژه در وجه اخیر سبب دانش اندوخته تاریخی‌ای شده است که باوجود همه فراموشکاری‌ها، در بزنگاه‌هایی اثر لازم خود را گذاشته است. به‌علاوه می‌توان از دستاوردهای اجتماعی و مدنی‌ای نام برد که به‌تدریج در بستر جامعه تەنشین و نهادینه شده‌اند. مواردی مانند توانایی گفت‌وگو، پذیرش تکرر و تنوع، حساسیت‌های اجتماعی، مشارکت جمعی بیشتر، پذیرش نسبی فرایندهای مدرن امور سیاسی و... گواه است که ما

با ارائه پیش‌شرط از سوی ایران با عنوان رعایت برجام از دست بدهیم. دلیل آن هم مشخص است؛ ترامپ روی برجام و هر توافق دولت اوباما آلرژی دارد و پیش‌کشیدن پیش‌شرط از سوی ایران با عنوان رعایت برجام به منزله عدم مذاکره و گفت‌وگو خواهد بود؛ چراکه قطعا از سوی آمریکا پذیرفته نخواهد شد. یقیناً مذاکره با آمریکا در حضور پیش‌شرط‌های ۱۲گانه ترامپ نه با اصول و مبانی جمهوری اسلامی هم‌خوانی داشت و نه در راستای منافع ملی بود. اما اکنون مذاکره و گفت‌وگو با ترامپ بر هیچ‌کدام از اصول سیاست خارج ایران خدشه‌ای وارد نخواهد کرد چراکه بدون پذیرفتن هرگونه پیش‌شرطی مقتدرانه و عزت‌مندانه وارد مذاکره خواهیم شد و منزلت و جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی به‌عنوان کشوری که دائماً در پی نفی کشورهای سلطه بوده، منزلتزل نخواهد شد. اتفاقاً با گفت‌وگو و مذاکره یکی از اصول مهم جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی یعنی اصل صلح‌طلبی عینیت یافته و بازتاب سازنده‌ای در خنثی‌کردن تصویر منفی ایران‌هراسی در عرصه بین‌الملل خواهد داشت.

گزارش مجمع تشخیص مصلحت‌های

همچنان پتانسیل و توان اصلاح شرایط فعلی را با تکیه بر همین بضاعت‌های موجود داریم.
۳-ضرورت امیدواری

در نهایت رویکرد سومی که به تردید در امکان امید پاسخ می‌دهد، بحث در ضرورت امیدواری است. شرایط بیرونی هرچه باشد، ما چاره‌ای جز امید نداریم. در قیاسی میان نتایج حاصل از امیدواری و ناامیدی قطعاً به چنین نتیجه‌ای خواهیم رسید. فارغ از شرایط بیرونی، ناامیدی سبب گسست اجتماعی، بی‌اعتمادی، ازدست‌دادن سرمایه‌های اجتماعی، کاهش مشارکت اجتماعی، سقوط اخلاقیات در سطح عمومی، ازدست‌رفتن نشاط جمعی، انفعال، بی‌انگیزگی و... خواهد شد. بدیهی است که منطق در این قیاس و نتایج مرتب است بر آنچه صلاح خواهند دید. به‌ویژه که به حکم سیالیت مفاهیم اجتماعی، چه امید و چه ناامیدی، می‌توانند در تأثری دوسویه با اوضاع عینی، به شکلی مضاعف سبب پیشرفت یا پسرفت شوند. امیدواری سبب برانگیختگی درونی افراد و تحرک آنها و در نتیجه تحقق موفقیت‌های مقطعی و نسبی می‌شود. موفقیت‌هایی که مانند گلوله برفی کوچک، در ادامه بهمنی از شادی و بهروزی را فراهم می‌آورد. تا جایی که حتی شایسته است امیدواربودن را یک ضرورت اخلاقی دانست که هر شخص معتقد به اخلاق، باید آن را در خود پیرواند. احساس نگویند بختی‌ای که در اغلب ما رخنه کرده، بسیار بیش از میزان واقعی آن و ناشی از ترس از فرداهای نیامده است. چنانچه ما ایرانیان تلاشی صادقانه و اخلاق‌مدارانه در جهت بهبود شرایط فعلی داشته باشیم، نەتہا امیدمان خالی از وجه نخواهد بود که بسیار هم قابل دفاع است. اما چنانچه بر پاس اصرار بورزیم و عملکردی مغفولانه داشته باشیم، طبعاً حق زیادی برای گلیاه از آینده پیش‌رویی که اکنون برایش کاری نمی‌کنیم، نداریم. طبعاً مسئولیت دولت در این امر خفیر بسیار بیش از احاد جامعه است و امید است مسئولان با پیش‌گرفتن رویکردهایی مانند پاسخ‌گویی، شفافیت، مقابله جدی با فساد، ترویج شادی، ترویج آزادی، رفتار قانونی، مدیریت علمی، شایسته‌سالاری، استفاده از تجربیات جهانی و... بدر پربار نشاط و امید را در جامعه بکارند.

یادداشت مخاطب

ژن مدیریت

فرهاد خزانلی

● تصویب قانون جدید برای به‌کارنگرفتن بازنشتگان نوبد فرصتی بزرگ برای جامعه جوان ایران خواهد بود. جمعیت دهه ۶۰ که به گفته معاون‌اول رئیس‌جمهوری در هر برهه‌ای با گذاشته، به دلیل تعدد بالا، موجب یک بحران شده است، اکنون به سن پختگی رسیده و باید در عرصه‌های تصمیم‌گیری و مدیریتی استفاده شود. عرصه‌هایی که متأسفانه در چند سال گذشته در اختیار تعداد محدودی قرار داشته و فقط پوسته عنوان عوض شده است. شاید بتوان گفت بسیاری از بحران‌های امروز نتیجه همین ثبات بوده است.

به‌هرروی به‌مثابه ضرب‌المثل ماهی تازه می‌توان گفت قانون اخیر یک تازگی و یک فرصت طلایی در دوران پس از انقلاب است تا با پوست‌اندازی خود و به‌آبادن به نسلی که هرگز شور انقلابی را درک نکرده؛ ولی عمر خود را در بطن تمام بحران‌ها سپری کرده است، مسیر ترقی و پیشرفت را طی کند. نسلی که دانا، آگاه و پخته است و برای هر حرکت خود روحیه تفکر را غالب بر روحیه احساس و هیجان خواهد کرد. نسلی که در زمینه آزمون و خطاهای بسیاری از مدیران فعلی رشد کرده، طعم این مدیریت ناصحیح را خوب چشیده است و هرگز بنا نخواهد داشت تا راه پرهزینه پیشینیان خود را به قیمت کسب تجربه‌های گزاف طی کند؛ اما آنچه در ورای این قانون دیده نشده، طعم تلخ یک اشتباه بزرگ از نسل اول مدیریت است که با عنوان جانشین‌پروری یاد می‌شود.

در قانون بر این تأکید شده که نباید از نیروهای بازنشسته استفاده شود. اگر فرض کنیم همین امروز قانون به اجرا درآید و تعداد درخور توجهی از مدیران فعلی راهی دوران خوش بازنشتگی شوند، مکانیسم جایگزینی آنها چگونه خواهد بود؟ آیا در این سال‌ها کسی به فکر جانشین‌پروری بوده است؟ آیا هرگز یک قانون و دستورالعمل برای تعیین صلاحیت مدیر یک مجموعه تهیه و تصویب شده است؟ آیا شاخص‌های مدیر خوب برای هر سازمان و ارگان مشخص است؟ پاسخ همه این سوالات روشن است: «خیر». در کشور ما به دلیل نامناسب‌بودن فضای مدیریت، اصولاً کعده‌ها و... ابزارهای انتخاب مدیر بوده است؛ بنابراین همه افرادی که سوسی توانایی‌ها و لیاقت‌ها، در دایره این ابزار قرار نگیرند، از شانس کمی برای تصدی بر امور مدیریت برخوردار خواهند بود. دلیل این مدعا را می‌توان در قوانین همه ارگان‌ها دنبال کرد. در بسیاری از کشورهای مدرن، استخدام مدیر مانند استخدام یک کارمند ساده با آگهی صورت می‌گیرد. در این آگهی توانایی‌های لازم برای تصدی به‌وضوح قید می‌شود و از واجدان شرایط درخواست می‌شود تا رزومه خود را ارسال کنند. برای باور این موضوع می‌توان به سایت‌های کاربایی بین‌المللی مانند linkedin مراجعه کرد و کلیدواژه مدیریت را جست‌وجو کرد؛ اما در ایران این امر مانند یک لطفیه تلخ خواهد بود؛ چراکه پست‌های مدیریت تعریف نشده است.

اگر قرار باشد روال انتخاب مدیران مانند گذشته باشد، رفتن مدیران فعلی و جوان‌گرایی بدنه مدیریت تنها تأثیری که در ایران آید، ایجاد یک فرصت بزرگ برای ژن‌های خوب است که بتوانند با جای پای پدران خود بگذارند و مدیریت تجربی نسل قبل خود را تجربه کنند. این جانشینی محصولی روشن دارد. نسل جوان و پیرانگیزه که همواره مترصد فرصت رشد است، امید خود را از دست خواهد داد و این ناامیدی به نسل‌های آینده نیز ریشه خواهد دواند. از طرفی ژن‌های خوب که درک صحیحی از رشد پلکانی نداشته‌اند، با غروری کاذب دست به آزمون‌ها و خطاهایی خواهند زد که پیامدهای سنگینی خواهد داشت.

پیشرفت و آینده روشن زمانی محقق می‌شود که راه آن روشن باشد. دولت برای روشن‌شدن مسیر باید یک تصمیم بنیادی در گزینش مدیران اتخاذ کند. فرصت راهبری سازمان‌های دولتی و بزرگ یک فرصت برابر برای همه اقدشار فربه‌تر است و باتجربه جامعه است و قطعاً داشتن یک زن خاص هرگز یک امتیاز مناسب برای رسیدن به پست‌های بالا نخواهد بود. آن هنگام که یک مدیر جایگاه خود را در رقابت با متخصصان کارکشته ببیند، هرگز به سمت رفتارهای هیجانی، غیرتخصصی و ناخنه نور نخواهد آورد. ناچاست که افراد برای به‌رخ‌کشیدن هنر مدیریت‌کردن هم باشند. مدیریت خوب بیش از آنکه به ژن بستگی داشته باشد، به توانمندی افراد بستگی دارد.